

غزل شماره ۲۵۷

روی بنا و مرا گو که ز جان دل برگیر  
پیش شمع آتش پروانه به جان گو درگیر

در لب تشنه ما بین و مدار آب دمیغ  
بر سر کشته نخویش آبی و ز خاش برگیر

ترک درویش بگیر از نبود سیم و زرش  
در نعمت سیم شمار اشک و رخش رازرگیر



چنگ بنواز و بسازار نبود عود چه باک؟  
آتشم عشق و دلم عود و تم مجرگیر

در سماع آبی وز سر خرقة بر انداز و برقص  
ورنه با گوشه رو و خرقة مادر سرگیر

صوف برکش ز سر و باده صافی درکش  
سیم در باز و به زر سیمبری در برگیر

دوست گویار شو و هر دو جهان دشمن باش  
بخت کو پشت مکن، روی زمین کشرگیر



میل رفتن کُنن ای دوست دمی با ما باش  
بر لب جوی، طرب جوی و به کف ساغر گیر

رفته گیر از بزم و ز آتش و آب دل و چشم  
گونه ام زرد و لبم خشک و کنارم ترک گیر

حافظ آراسته کن بزم و بگو و اعط را  
که بین مجلسم و ترکِ سرِ نبر گیر

تفسیر فال



شما به وضوح ارزش هر فرد را صرفاً بر اساس پول و مقام آن شخص تعیین می‌کنید و از افرادی که فاقد ثروت و موقعیت اجتماعی هستند، فاصله می‌گیرید. این نگرش، نه تنها به نادیده گرفتن انسانیت دیگران منجر می‌شود، بلکه موجب ایجاد فضایی پر از قضاوت‌های سطحی و ناپسند نیز خواهد شد. برای داشتن یک زندگی شاداب و معنادار، باید بدی‌ها را از خود دور کنید و سنگینی گناه را بر دوش خود حس نکنید تا همچون آب صاف و زلال به زندگی نگاه کنید. پول و مقام در واقع در دستان شماست؛ با تلاش مستمر و همتی والا می‌توانید به موفقیت‌های مالی دست یابید. نباید فراموش کنید که صرف گفتگو کردن هیچگاه منجر به تغییرات ملموس نمی‌شود. بنابراین باید مرد عمل باشید؛ یعنی علاوه بر حرف‌ها، اقداماتی مؤثر انجام دهید تا بتوانید اهداف خود را محقق سازید. تنها با کار سخت و تمرکز بر روی اهداف واقعی است که می‌توانید شایسته‌ترین جایگاه‌ها را در جامعه کسب کنید.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)